

پیام به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی ایران

به یکی از چاوشان و جلوه گاههای رهایی خلق
تبديل شده است.

خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی!

شما نیک می‌دانید که دلیندان پیکارجو و
آرمانخواه شما قربانی سیاست ترور و اختناق
رژیم "ولایت فقیه" شده‌اند؛ رژیم که با سرکوب
ادامه در ص ۲

خانواده‌های داغدار شهدای قهرمان خلق ۱
خانواده‌های رجندیده زندانیان سیاسی ایران ۱

پلنوم فروردین ماه ۱۳۶۹ کمیته مرکزی
حزب توده ایران، درودهای پرشور و آتشین خود
را به شما مادران، همسران، فرزندان و دیگر
بستانکان شهدا و زندانیان سیاسی می‌فرستد،
شما نیک که حمامه شهادت و رزم پرشور عزیزانشان
درآمیخته با مبارزه قهرمانانه و پرآوازه جنبش تان
شده به ضرورت و شکل تشکیل کنکره می‌
برداختند.

ازگان مرکزی عزیز تردد ایران

شماره ۳۰۸، دوره هشتم،
سال ششم، ۴ اردیبهشت ۱۳۶۹

پیام

به مردم ایران

هم میهنان شریف و آزاده!

یازده سال از برقراری حاکمیت رژیم
"ولایت فقیه" می‌گذرد. می‌ابن سالها رژیم برای
مردم ایران ره اورده جز قتل، بیکاری، اعتیاد،
استقرار نظامی مبتنی بر قوانین قرون وسطائی و
غارت بی‌بند و بار در چارچوب اقتصاد بازار
سیاه به ارمغان نیاورده است. نسل ها تلاش و
کوشش لازم است تا خسارات و زیان های
انسانی، مالی و فرهنگی، که توسط این رژیم
خونریز برکشور ما وارد شده، چیران گردد.
پس از پذیرش اجرای قطعنامه ۵۹۸
سازمان ملل متحد از سوی رژیم و بویژه در بی
مرگ خیانتی، جانشینان وی وحشت زده از
فروپاشی سریع نظام، به تبلیغات گستره ای
پیامون حل قریب الوقوع مشکلات توانفرسای
توده ها پرداختند. اما تجربه عینی ماههای
گذشته یکبار دیگر به همه ایرانیان نشان داد
که رژیم "ولایت فقیه" نه می‌خواهد و نه
می‌تواند برکوه مضلاتی که خود ایجاد کر
ادامه در ص ۲

گزارش هیئت سیاسی
به پلنوم کمیته مرکزی
حزب توده ایران

ص ۶۵۰، ۴، ۲

شعارهای اول ماه مه
کمیته مرکزی
حزب توده ایران
ص ۲

در راه نوسازی

اما، انصباط آکاها، یعنی مراعات موازن
پذیره شده حزبی، یعنی تأثیر بر روند اتخاذ
خط مشی سیاسی حزب از طریق شرکت فعال
در نظرخواهی ها پیامون استاد سرنوشت ساز،
یعنی انتقاد و انتقاد از خود سازنده و خلاق،
یعنی پرهیز از خودمحوبیتی، یعنی تلاش در
راه تامین انسجام حزب با وجود تنوع نظر ...
دموکراسی درون حزبی در آخرین تحملیل
باید به تقویت نقش حزب در جامعه منجر
گردد. در غیراینصورت حزب قادر نخواهد بود
نقش شایسته ای در زندگی سیاسی میهن ایفا
کند.

پلنوم اهمیت زیادی به نقش هسته ها و
حوزه های حزبی در داخل و خارج داد. بدینهی
است که میان عرصه های کار اعضا و هاداران
حزب در داخل و خارج از کشور تفاوت های
معنی وجود دارد. اما این امر به میچ و میخ نمی
تواند به معنای نفی کار واحد همه توده ای ها
تلقی شود. این مبارزان توده ای هستند که باید
قداکارانه میاست حزب را با فعالیت توده ها
ادامه در ص ۸

فرق پلنوم فروردین ماه ۶۹ با پلنوم های
گذشته کمیته مرکزی در آن بود که برخی از
شرکت کنندگان در آن با کارهای های ویژه به
پلنوم آمده بودند. در مجموع کارهای های اراده
شده به ضرورت و شکل تشکیل کنکره می‌
پرداختند.

پس از آنکه اکبریت شکننده شرکت
کنندگان به کارهای های حاوی پیشنهاد کنکره از
رهنگر انحلال کمیته مرکزی رای متفق دادند،
بحث های جدی پیامون راه رسیدن به کنکره،
دموکراتیزه کردن مناسبات و زندگی درون
حزبی، ضرورت تغییر برنامه و اساسame و ...
صورت گرفت. سرانجام پلنوم بمنظور آغاز روند
نوسازی حزب و دموکراتیزه کردن زندگی آن،
یک رشته تصمیمات جدی اتخاذ کرد.

مهترین هدف در این راستا، بهسازی
زندگی درون حزبی بمنظور تشدید مرچه بیشتر
مبارزه در داخل کشور است. این نیز بدون
انضباط آکاها غیرعملی است. باید از نظر دور
داشت که دموکراتیزه کردن حیات درون حزبی
در پیوند دیالکتیکی با انضباط آکاها است.

تظاهر خشم و نفرت مردم

در شرایط فعلی، هر مناسبتی که باعث تجمع گروهی از مردم شود،
یک منبع خطر بالقوه برای رژیم "ولایت فقیه" به شمار می‌رود

نمایش می‌گذارند.

هناکامی که در بهمن ماه سال گذشت،
گروههای تظاهرکننده در خیابانهای تهران به
حرکت درآمدند، دستکامهای تبلیغاتی رژیم
کوشیدند تا آن را به متابه امری عادی و کم
همیت جلوه دهند. در آن زمان وزیر کشور ملی
اصاحه مطبوعاتی خویش ادعای کرد که گویا
تظاهرات فوق در ارتباط با مسائل "ورزشی"
بوده و بعد سیاسی نداشته است.

ادامه در ص ۸

خیابان های تهران در روزهای اخیر شاهد
تظاهرات پراکنده مردم بود. این تظاهرات که در
 نقاط مختلف و با اشکال متفاوت روی داد،
یکبار دیگر قابت کرد که حرکت های اعتراضی
ماههای پایانی سال گذشت، برخلاف ادعای رژیم،
پدیده ای انتقامی و گذرا نبوده است و ریشه در
نیازها و ضرورت های درونی جامعه دارد.
درواقع توده های هستی باخته، به این ترتیب
خشم و نفرت خویش را از رژیم که جز قتل و
فالکت برایشان چیزی به ارمغان نیاورده، به

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح" ، سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه" !

باشد، در پلنوم حاضر، تصمیم به نوسازی و دمکراتیزه کردن جدی حزب در عرصه های گوناگون زندگی اشن گرفته است. در این پرونده، امیدوارم که توانیم دامنه تعاملات خود را در درون کشور بیش از پیش گسترش دهیم و از جمله به شما در دستیابی به خواستهای برحقتان یاری رسانیم.

محجین، ما شرکت کنندگان در پلنوم، از آنجا که آرمانتها و کردار تاریخی عزیزانatan را الهامبخش رزم و فروزان ماندن آتش جنبش من دانیم، آنها را مماره در سنگر پایداری دوشادوشن و پیشایش خود می بینیم. ما در پیشگاهان سوکنده باد می کنیم که تا در گرمکاه سینه قلبی تپان دارم، دوشادوشن ممه مبارزان خواهیم گذاشت درخیمان و پیادارندگان چوبه های اعدام رنگ آرامش بخود بینند. ما با برآفرانه نکه داشتن درفش خونقای مبارزه شهیدان خوب و جنبش پیاران درستند، راه پر انتشار آنان را خواهیم بودند.

تابناک باد خاطره شهیدان خلق
درود بر زندانیان سیاسی ایران
برقرار باد جبهه "ازادی و صلح"
سرنگون باد رژیم "ولایت قیمه"

پلنوم فروردین ماه ۱۳۶۹
کمیته مرکزی حزب توده ایران

هم میهنان آزاده!

سران و ایسکرای رژیم "ولایت قیمه" که با خیانت به آرمانهای انقلاب بهمن و کشتار پیسابته هزاران میهنن برسست و آزادیخواه بر اریکه تقدرت قرار گرفته اند، فاقد هرگونه مشروعیت قانونی و اخلاقی هستند. همه رویدادهای سانها و بوریه مامهای اخیر، از جمله عدم شرکت مردم در ثماپیش های انتخاباتی و گسترش تظاهرات مردمی نشان می دهد که این رژیم در درجه اول از منافع چپاولکران و غارتکران دفاع می کند. باید با استفاده از اوضاع سساعد داخلی و خارجی، به عمر رژیم "ولایت قیمه" که مانع رشد اجتماعی - اقتصادی کشور است خاتمه داد. باید از هر فرصتی برای طرح خواستهای مشخص و تحمیل آن به حاکمیت استفاده کرد. هرگام عقب نشینی رژیم، هرچند کوچک و محدود، آن را متزلزل تر و نیروی توده ها را افزون تر می سازد.

هم میهنان!

با تشدید مبارزه متحد خود علیه رژیم "ولایت قیمه" بر عرصه یکی از اجتماعی ترین رژیم های جهان معاصر نقطه پایان گذارد. پیروزی از آن آزادیخواهان، حق طلبان و عدالت جویان است.

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران
فروردین ماه ۱۳۶۹

شده و از پیشیانی فزاینده ای پرخوردار است.

دیگر هیچ نیروی سیاسی مترقب و آزادیخواه و هیچ وجودان آگاه و پیداری را نمی توان سراغ داشت که راه خود را از راه انسانی شما جدا نماید. ولی این هنوز کافی نیست. باید کوشید تا خواست شما به خواست جنبش توده های میلیونی تبدیل شود و آنها یکپارچه علیه رژیم "ولایت قیمه" به میدان آیند. زیرا تا زمانی که این رژیم خود کامه عنان حکومت را در دست دارد، همچنان از آزادی و رعایت حقوق بشر خبری در میان نخواهد بود، همچنان ایران زندان مردم باقی خواهد ماند و همچنان درخیمان و مددویان رژیم برای خاموش کردن هر یانگ و اوای مخالفت، دگراندیشان را بازداشت خواهد کرد، دهان خواهند دوخت، شکنجه خواهند داد و بهترین فرزندان خلق را به میدان های اعدام خواهند برد.

با زماندگان گرامی شهیدان خلق! خانواده های زندانیان سیاسی!

ما شرکت کنندگان در پلنوم با درود مجدد از شما می طلبیم که به عنوان کوهان مظلومیت خلق و سنتی که بر آن رفت است، با تکیه بر تجربه پیکار مقدسان در سال های گذشته، مبارزه خود را تشید کنید. ما نیز در تلاش برای تبدیل حزیمان به حزبی فعالتر که بنویس خود بتواند پاسخگوی نیازهای جنبش

آزادیهای دمکراتیک و پایام سازی ابتدائی ترین موافق حقوق بشر طی سال های حاکمیت خودش، ده تنها دست ناهاکش را به خون هزاران تن از فرزندان سلحشور خلق آزاده است، بلکه همچنین در زندانها و سیاههای بیشمارش، دهها هزارتن از دوستاران آزادی و صلح و عدالت اجتماعی به زنجیر کشیده شده اند. ضرورت پرده برگرفتن از سیمای پلید رژیم در نزد انگار عمومی ایران و جهان، باهدف ادامه راه پر انتخار آنان که اینک در کنار ما میستند، از جمله شما را به مبارزه فعالتر و پرشورتر کشانده است. اگر امروز دیگر نه تنها در میهن مان، بلکه در فراسوی مرزهای ایران، در سراسر گیتی، رژیم رسو و رسواتر شده است، از جمله پهلوپیکار پهداش و آگاهانه شماست. فراموش گردیدن امکان برای بازدید هیئت ویژه کمیسیون حقوق پسر سازمان ملل متحد از ایران، به حق یکی و تنها یکی از برگ های کارنامه غرورانگیز رژیم شما و دیگر نیروهای آزادیخواه است. از سوی دیگر، واقعیت آن است که جنبش اعترافی شما خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، همپیوند با اقدامات روشنگرانه دیگر نیروهای مختلف رژیم، رقته رقته گسترش می باید. امروز خواسته ای آزادیخواهان و دمکراتیک جنبش شما در درجه اول آزادی زندانیان سیاسی به یکی از میم میهن از پیشیانی فزاینده ای تبدیل

پیام به مردم ...

آنهاست، فائق آید.

گرانی همچنان بیداد می کند؛ خارتگران در آشته بازار جمهوری اسلامی شیره جان مردم را مکند؛ انواع نهادهای دولتی، بوریه سطوح بالای آن را فراگرفته به ارزش های اخلاقی جامعه ایران بشدت لطمہ زده است.

عملکرد قرون وسطائی و واپسکرایانه دستگاههای قضائی رژیم در مقابل با بزمکاران کوچک، که در اعدام و دست و پا و سر بریدن و شلاق زدن، آن هم در ملاه عام تظاهر می باید، منظره ای از شهرهای کشورمان را به غایش گذاشته که در کمترکشوری می توان با آن روپرورد.

علیرغم جو خشونت بار ترور و اختناق، دامنه اعتراض توده های جان به لب رسیده گستردگی تر می شود. تظاهرات پراکنده مردم در تهران و شهرستانها می باشد این اخیر، نشان داد که رژیم با مهه عوامگریها و سمعیت ویژه خود توانسته است آرامش دخواه خویش را بر کشورمان حاکم سازد. باید این جنبش خودپرورد توده ای را در همه ابعاد گسترش داد. نباید فراموش کرد که امکانات دستگاه حاکم برای مقابله با خیش های توده ای در این و آن سوی ایران روز به روز محدودتر می شود. چرا که با تعییق بحران همه جانبه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی اولاً، هر روز تعداد بیشتری از کسانی که تحت تاثیر عوامگری های رژیم، از آن هواداری می کرندند، پسی مردم روی می آورند، و ثانیاً گسترش ناکنتر اختلافات در راس حاکمیت نیروی آن را هرچه بیشتر تحیل می برد.

اعتیاد به یک بزرگ ملی بدل شده است. صدها هزار ایرانی در چنگ آن دست و پا می زندند و رژیم "ولایت قیمه" بجهات پرداختن به علل اصلی این بله ای اجتماعی، که در مردم کشور ما همانا قتل و بیکاری و نبود امنیت شغلی و اجتماعی است، هزاران نفر از قربانیان اعتیاد را بازداشت و روانه اردوگاههای کار می کند. مر روز در برابر چشمان مردم تعدادی از قربانیان را که در دام شبکه های توزیع مواد مخدوش اند به دار می کشند تا گویا از این راه اعتیاد را "مهار" کنند. اما علیرغم همه چاروچنجال ها پیرامون موقعیت در امر مبارزه با مواد مخدوش،

گزارش هیئت سیاسی

به

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

رقا

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در فرایط پیزه و بفرجی برگزار می شود. اوضاع و احوال در جهان از لحاظ کهنه در حال تحول است. برای درک عمیق این تحول به منظور تنظیم سیاست و مشی صحیح به تحلیل عمیق و بررسی همه جانبه رویدادهای بفرج و متضاد، هیاز است.

البته هر کت کند کان پلنوم، کم و بیش از سیز رویدادها در جهان باخورد. از این رو، بازگردان و یا تکرار همه رویدادها در فاصله دو پلنوم نه ضرور است و نه می تواند راهنمای ما در تعیین موضع سیاسی حزب باشد. به نظر ما باید رویدادهای کوهی و سریعه ساز را مورد حلاجی قرار داد و بدین سان به نتیجه مظلوب برای تعیین مشی سیاسی حزب رسید.

برای رسیدن به این هدف، هیئت سیاسی نکات گرهی مسائل مطروحه در سطح بین المللی را در پیوند با تواندیشی طی طرحی برای نظرخواهی در اختیار اعضاء حزب گذارد.

باید گفت که عکس العمل رفقا بسیار جدی بود. اعضاء حزب یا بصورت فردی و یا جمعی (بنام حوزه ها) نظرات مبسوطی پیرامون کلیه مسائل کنگانه شده در طرح هیئت سیاسی ارسال داشتند.

روشن است که چارچوب این گزارش وسیع تراز طرح هیئت سیاسی است. ما، تصمیم گرفتیم با توجه به تحولات کهنه در کشورهای سوسیالیستی و نیز بازنگری در سیاست احزاب کمونیستی و کارگری، رویدادهای جهان را با توجه به این واقعیت ها بررسی کنیم.

مردم جهان برداشته است و یا بدیگر سخن مبتکر اصلی کاهش و خامت بین المللی بوده و هست.

سیاست صلح و همیست مسالت آمیز حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی به عنوان بازتاب تئوری نوادرشی در هراتیک دارای پایه عینی است. اجرای سیاست دگرگونسازی در اتحاد شوروی که از جانب حزب کمونیست آن کشور مطرح گردید، نیاز بیرون به صلح و آرامش جهانی دارد. بدون استقرار صلح و کترش مناسبات اقتصادی، سیاسی، علمی و فنی میان کشورها که در اوضاع و احوال کنوی جهان دارای وابستگی متناسب است، سازندگی و بهره برداری از قدرت بالقوه عظیم سوسیالیسم امکان پذیر نخواهد بود. این نیز سسلم است که رشد آهنگ اقتصادی و کترش تولید کالاهای موردنیاز مردم از طریق پکارگیری دستاوردهای انقلاب علمی و فنی نیازمند سرمایه گذاری عظیم است. در اتحاد شوروی پنهان نمی کنند که چنین تدبیری فقط در پیوند با کاهش هزینه نظامی می تواند اتخاذ و اجرا گردد.

آمادگی کشورهای عضو پیمان ورشو در جهت اتخاذ تدبیر اساسی برای پایان دادن به تقابل نظامی دو گروهندی در اروپا، پیشنهادهای دولت شوروی درباره کاهش و خامت در منطقه ایانوس آرام و ایانوس هند و غیره، تاییز زیادی در اندیشه و طرز تکرر هواداران صلح و امنیت در سراسر جهان دارد. البته نباید تاییز مبارزه میلیون ها انسان دارای نظرات و عقاید گوناگون در اروپا و ایالات متحده را در راه صلح و تامین امنیت بشر نادیده گرفت.

اگر در گذشته نه چندان دور مجمعه های نظامی - صنعتی و محافل اجتماعی می توانستند به پاری تبلیغ، "خلر نظامی شوروی" را تلقین کنند، این حریه به تدریج برندگی خود را از دست می دهد. کار این رسیده که حتی دولت های معاشره کار مجبورند، روچیه مردم را در محاسبات سیاسی خود مورد توجه قرار دهند. این یک پیروزی درخشان برای مبارزان

مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری صنعتی و تاثیر آن بر جهان

سرنشیت جنگ و صلح با چکوونگی مناسبات "شرق" و "غرب" پیوند تکانگ دارد. این واقعیت است انکار ناگزیر. در صورت پایان یافتن مسابقه تسلیحاتی و پیدا کردن راه حل برای نابود کردن سلاح های هسته ای به موازات کاهش چشمکیر جنگ افزار های غیرهسته ای و برقیدن گروه بندیهای نظامی و ... بشرطی می تواند نفس راحتی بکشد. اگر پذیرم که "جنگ سرد" می رود تا به تدریج جای خود را به همکاری های سیاسی - اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای دارای نظام های اجتماعی - اقتصادی مختلف بدهد، باید اذعان کرد که این روند از اروپا آغاز شده است.

در فاصله زمانی دو پلنوم کمیته مرکزی تغییرات محسوسی در مناسبات میان "شرق" و "غرب" بوجود آمده و به مردم سراسر جهان امکان آن را داده تا به آینده بشرطی امیدوارتر باشند. موافقن نامه مشهور امضاء شده میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا پیرامون ازین بردن دونوع سلاح هسته ای، کام مهمی در راستای تشییز زدنی در اروپا بود. مذکوره درباره کاهش سلاح های غیرهسته ای میان بلوک های نظامی ورشو و ناتو در وین که باید آز آلاتیک تا اورال را دربرگیرد، پیشنهاد درباره نابود کردن جنگ افزارهای سسته ای تاکتیکی در اروپا، تدبیر مربوط به "تکیم اعتماد نظامی"، استقرار مناسبات رسمی میان شورای همیاری اقتصادی و بازار مشترک و ... از جمله کام های اولیه موقر در عادی ساختن وضع در اروپا و پایان دادن به "دوران جنگ سرد" است. اکنون همه مردم متوجه قرار در جهان، پیزه در اروپا و آمریکا می دانند که اتحاد شوروی کام های عملی بزرگی در راه تامین آینده مطمئن برای

آیا می توان به درگیری های منطقه ای پایان داد؟

این پرسش در برابر میلیون ها انسان قرار دارد که قریانی توطنه های امپریالیسم جهانی هستند. طبق محاسبه دانشمندان می ۵/۵ هزار سال در کره زمین ۱۵ هزار جنگ و درگیری مسلحانه روی داده و می آنها حدود ۲/۵ میلیارد انسان کشته شده اند. پیشریت در سراسر این دوران طولانی فقط ۲۹۲ سال در شرایط صلح زندگی کرده است. وضع امروز چکونه است؟ طبق معانی آمار در سال ۱۹۸۷ در کره زمین بیش از هر یک از سال های دیگر از تاریخ، جنگ و خودبزی روی داده است.

طبق محاسبه ای، پس از جنگ جهانی دوم هزینه نظامی همه کشورهای جهان، به رقم سرسام آور ۱۷/۵ تریلیون دلار بالغ شده است. در همین مدت در جهان ۱۲۰ جنگ روی داده و ۲۰ میلیون آنسان قریانی شده اند. فقط در سال های ۸۰ میلادی آتش ۲۲ جنگ در جهان شعله ورشده که ۱۵ درصد از قریانیان آنها افراد غیرنظامی بوده اند. جالب است که همه این جنگ ها در مناطق عقب اتفاده جهان - در "جهان سوم" - روی داده است. "جنگ سرد" میان "شرق" و "غرب" یکی از عوامل بروز مناقشه مسلحانه در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین بود. با توجه به اینکه هر جنگ محلی می تواند به سهولت به جنگ منطقه ای و حتی جهانی متصر گردد، خطرات ناشی از آن برای همکنان روشن است. تغییرات کیفی سال های اخیر در اوضاع بین المللی، امکان مناسبی برای حل اختلاف های منطقه ای از طریق مذاکرات سیاسی وجود آورده است. باید خاطرنشان سازم که در این زمینه سیاست خارجی اتحاد شوروی که برایه نواندیشی استوار است، نقش بسزایی ایفاء می کند. البته هنوز زود است که دریاره پایان یافتن قلمی همه درگیری های خوین در منطقه کوئنگون جهان سخن گفت. امپریالیسم می کوشد اقدامات تجاوز کارانه خود را ادامه دهد. کشورهای امپریالیستی و در موادی کشورهای دست نشانده ای چون عربستان سعودی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا آتش بیاران جنگ های خوین منطقه ای هستند.

در واقع می توان گفت امپریالیسم مقصود اصلی شرایط غیرانسانی حاکم بر کشورهای جهان سوم است. شمار چشمکیری از این کشورها که دچار درگیری های منطقه ای هستند، با قرق و گرسنگی بی سایه ای دست یکپارچه اند.

حزب ما به این معضل از آن لحاظ اهمیت می دهد که مردم کشور ما شریات مهلهک جنگ های منطقه ای را می هشت سال تحمل کرده اند. مابراین که در جهان معاصر، در جهان دارای وابستگی و مناسبات متقابل، هرچندکه بر وضع جهان یکپارچه اثرات زیانی بر جای می گذارد. به جنگ های منطقه ای باید پایان داده شود. این یک مستله عاجل و حیاتی است که با سرنوشت حال و آینده میلیون ها انسان در "جهان سوم" بیرون دارد. تحریه باره باهه اثبات رسانده که جنگ های منطقه ای و توطنه های امپریالیستی زیرنویش تامین "منافع حیاتی" دفاع از ارزش های سیاسی و ایدئولوژیکی ... است. حزب توده ایران در کنفرانس ملی مخالفت آشکار خود را با صدور انقلاب و خدعت انقلاب در هر شکل و زیر هر عنوانی اعلام کرد. ما، مخالف سرخخت دخالت خارجی در امور داخلی کشورها هستیم و معتقدیم، سرنوشت هر کشوری را مردم و نیروهای سیاسی آن کشور باید تعیین کنند.

موافقنامه های امضاء شده در ژنو میان افغانستان، پاکستان، اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا دایر برخروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان و پایان دادن به جنگ داخلی در آن کشور کام پسیار مهمی بود که دولت شوروی در جهت کوشش برای خاموش ساختن شعله های جنگ های منطقه ای بردشت. متعاقب این اقدام اتحاد شوروی، مذاکرات برای پایان دادن به جنگ در کامبوج، نیکاراگوئه، آنکولا و غیره نیز آغاز شد. همه این اقدامات امیدوارکننده بود. اما، موضع ایالات متحده آمریکا پرسش های زیادی را مطرح می کند: آیا موافقنامه های ژنو می تواند به تنطه عطفی در تاریخ مردم زجردیده افغانستان تبدیل گردد؟ آیا تدبیر اتخاذ شده خواهد توانست صلح و آرامش پایدار را به آنکولا و موزامبیک بازگرداند؟ درگیری میان اعراب و اسرائیل تا کی ادامه خواهد یافت؟ آیا

راه صلح و تامین امنیت پسر در هصیر ایجاد سلاح های نابودی جمعی است.

البته اشتیاه خواهد بود، اگر حضور نیروی بسیار مؤثر شد صلح و هادار ادامه مقابله نظامی میان "شرق" و "غرب" در جهان غرب به دست قراموسی سپرده شود. نواندیشی دربرخورد با مضلات جهانشمول و اتخاذ روش های متکن بر توری نواندیشی در تعیین سیاست خارجی، هنوز خیابان یکطرفه است. هم در اروپای غربی و هم در ایالات متحده آمریکا نیروهای سیاسی - اقتصادی قدرتمند مختلف نواندیشی اندک نیستند. آنها سرگرم تجدید نیرو و اتخاذ تاکتیک های ظرف برای مقابله با تشنج زدایی هستند.

بر این بنیان، می توانیم اوضاع و احوال بین المللی پنجه و متفاد است و هنوز دگرگونی و تغییر پنایدهن در جهت هرچه بهترشدن آن به چشم نمی خورد. برای این نیز تشدید مبارزه برای اینین بردن همه رسوبات "جنگ سرد" و نیز کاهش و سپس از بین بردن کامل سلاح های نابودساز جمعی اعم از هسته ای - لیزری و شیمیائی، مهچنان در دستور مبارزه همه انسان دوستان در سراسر جهان باقی می ماند. درحال حاضر اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا مذاکرات در ژنو را برای کاهش پنجاه درصد سلاح های هسته ای استراتژیک از سر گرفته اند. در عین حال موضوع حیاتی پایان دادن به نظامی کردن فسای کیهانی نیز به طرز حادی مطرح است.

پایان موقتی آمیز مذاکرات میان "مسکو" و "واشنگتن" می تواند کام دیگری در جهت کاهش سلاح های هسته ای باشد. روشن است که کاهش پنجاه درصد از سلاح های هسته ای، بهیچ وجه بعنای پرطرف شدن خطر نابودی قدرن پشتوی درصورت بروز جنگ هسته ای نیست. پیکار در راه خلخ سلاح هسته ای، روندیست درازمدت. تأسیانه مردم کشورهای جهان سوم به علت شکلات ظیع اجتماعی و اقتصادی، نتش چندان موتیری در مبارزه علیه جنگ افروزان بین المللی نداشته اند. مردم میهن ما نیز گرچه در راه پایان دادن به جنگ ایران و عراق مبارزه سختی را با پیروزی به پایان رسانند، هنوز به ژرفای فاجعه جنگ هسته ای، آنطور که پاید و شاید بی نیازه اند. چنین وضعی در عین حال با کار ناکافی ما بیرون دارد. در استاد کنفرانس ملی مبارزه در راه صلح و تامین امنیت پسر یک وظیفه انتقامی تعیین شده است. باید گفت که حزب به کار تبلیغی در این زمینه کم بها داده است. واضح است که مبارزه در این راه تنها وظیفه حزب ما نیست و همه پشروعان ایرانی باید در این سمت حرکت کنند.

در اینجا این پرسش که آیا اتحاد شوروی با اتخاذ تدبیر یکجانبه در عرصه نظامی، از قبیل کاهش چشمکیر تعداد نیروهای مسلح و اینین بردن تجهیزات نظامی، از تانک و توب گرفته تا موایسا و ناوجنگی و غیره، در جهت تعییف بنیه نظامی خود کام برقی دارد، را باید بی پاسخ گذارد.

رهبران شوروی در برخورد به قدرت نظامی از دکترین دفاعی پیمان و رشو پیروی می کنند. این بدان معنا نیست که اتحاد شوروی قدرت نظامی خود را تعیین می کند. سیاست خارجی اتحاد شوروی برایه اصول اعلام شده زیرین استوار است:

- جنگ افزارهای هسته ای باید از راه گفتک در راستای خلخ سلاح و تقلیل توان دفاعی کشور تا حد نیازهای مقتول، نایاب شود.

- توصل به زور برای نیل به اهداف سیاسی، اقتصادی و ... مجاز نیست و در زمینه مناسبات با دیگر کشورها اصل احترام به استقلال، حق حاکمیت و تأمیت ارضی آنها، اصلی تغییر نایابیز است.

- در شرایط توازن منافع، نه روایوی، بلکه مذاکره و تبادل نظر باید یکانه راه برای حل مسائل بین المللی و درگیری های منطقه ای شمرده شود.

حزب ما، باید با تبلیغ وسیع ضرورت مبارزه در راه صلح و تامین امنیت در جهان، به سهم خود تلاش کند که مردم کشور ما نیز دو شادوی همه مردم جهان در مبارزه علیه جنگ افروزان و جناح جنگ طلب و مجاوزگر امپریالیسم، شرکت کنند. اگر همه مردم جهان متعدد عمل کنند، می توانند اراده خود را به کسانی که هنوز هم حفظ سلاح های هسته ای و شیمیائی را به عنوان "عامل بازدارنده پرور جنگ" می نامند، تحمیل کنند. ثمی توان از صلح سخن گفت و در عین حال سلاح های هسته ای را مدربیزه کرد و یا "جنگ ستارگان" را تدارک دید.

فلسطین در پیوند است. به دیگر سخن، پُدون حل هادلاده مسئله فلسطین، این متعلقه رنگ صلح و آرامش پایدار را به خود نخواهد دید. بر این بنیان، حزب توده ایران که همواره از مبارزه بحق خلق فلسطین عت قدری سازمان آزادیبخش فلسطین دفاع کرده است، پارادیگر همبستگی عمیق خود را با مردم زجردیده فلسطین اعلام می‌دارد.

سازمان آزادیبخش فلسطین با تجدید نظر اساسی در موضوع سابق خود و پذیرش مصوبات شورای امنیت سازمان ملل، موقفیت بزرگی در عمره بین المللی بدست آورد. شناسانی موجودیت کشور اسرائیل و متعاقب آن تشکیل دولت وقت فلسطین و انتخاب یاسعرفقات به عنوان رئیس جمهور و شناسانی دولت فلسطین از جانب دهها کشور جهان یک موقفیت تاریخی بشمار می‌رود. مبارزه مستمر و یکپر خلق عرب فلسطین در اراضی اشغالی و باریکه غزه نتش تعین کننده ای در تغییر جو در جهان بسود سازمان آزادیبخش فلسطین اینها کرد.

رقا!

اکثرت قاطع مردم میهن ما با نظر تحسین به مبارزه سخت و دشوار خلق فلسطین می‌نگردند. اما، رژیم جمهوری اسلامی با مخالفت خصمان و تبلیغات گسترده علیه سازمان آزادیبخش فلسطین آب به آسیاب رژیم صهیونیستی می‌ریزد. سرمهداران رژیم در عنی همکاری نزدیک پا به صهیونیست‌های اسرائیل در زمینه خرد مجاهدات نظامی، می‌کوشند تا شماره‌ای افراطی چون "تابودگردن دولت اسرائیل" را به مبارزان فلسطینی تحمیل کنند و آنها را به مبارزه تزوییتی بکشانند و در نتیجه از سوی به نهضت مقاومت خلق فلسطین ضربه وارد می‌سازند و از سوی دیگر، دست دولت اسرائیل را در سرکوب مبارزان فلسطینی بازمی‌گذارند. حکام جمهوری اسلامی می‌کوشند تا نقش عده انکشت شماری از عمل خود در فلسطین را بزرگ جلوه گر سازند. آنها مدعی هستند که گویا مردم فلسطین در راه حکومتی "اسلامی" شیوه رژیم ضد خلقی حاکم بر ایران مبارزه می‌کنند. در اینجا نیز هدف روشن است، تحریف مضمون و محتوای سیاست دوین سازمان آزادیبخش فلسطین. آشکار است که سیاست نادرست رژیم در تخلیل نهانی در خدمت پاری رسانی به صهیونیست‌های اسرائیل قرار می‌گیرد. خلق عرب فلسطین این سیاست را محکوم می‌کند. بینادگر ایان "اسلامی" نقشی در تجهیز مردم فلسطین داشته و ندارند.

یکانه راه پایان دادن به خودنیزی در خاورمیانه و نزدیک تشکیل کنفرانس بین المللی است. درحال حاضر این امر مورد قبول تربیا اکثرب کشورهای ذینفع در "غرب" و "شرق" است. در سال های اخیر، برخی تغییرات در سیاست "واشنکن" نسبت به سازمان آزادیبخش فلسطین بوجود آمده است. اما اگرچه "واشنکن" حاضر به مذاکره مستتبم با سازمان آزادیبخش فلسطین شد، با این وجود می‌کوشد تا میان کشورهای عربی و فلسطین تفرقه بیندازد. سیاست دولت آمریکا ایجاد گروه‌بندیهای مختلف از کشورهای عربی به منظور تفرقه هر چه بیشتر میان آنهاست.

بحران لبنان ادامه دارد. اسرائیل به عنوان استراتژیک آمریکا به این بحران دامن می‌زند. اختلاف میان سوریه و دیگر کشورهای عربی در زمینه نقش آن کشور در لبنان بالا می‌گیرد. اختلاف میان سوریه و عراق از جمله درگیری های محلی میان کشورهای عربی است. کوتاه سخن، کشورهای عربی دچار اختلاف های پایان ناپذیر هستند و دولت اسرائیل از آنها بهره می‌گیرد. برخی از کشورهای عربی از طریق مخالفت با سیاست دوین سازمان آزادیبخش فلسطین موضع اعراب را در مقابله با اسرائیل تعصیت می‌کنند.

مبارزه علیه درگیریهای منطقه ای ساخته و پرداخته امپریالیسم، یک از وظایف اساسی تبلیغات حزب است. پاید علیه نقش وزاندار، که ایالات متحده آمریکا می‌کوشد در "جهان سوم" به عهده گیرد، مبارزه کرد. "واشنکن" می‌خواهد خلق آن کشور کوچک، توانه برجهست سیاست مجاوزه کارانه امپریالیسم آمریکا است. لبنان یکی دیگر از قربانیان وزاندار ایالات متحده است که کمک به اسرائیل را از وظایف عمدۀ خود می‌داند.

در قابله دو پلتوم وضع بحرانی در لبنان تشدید شده است. بدون تردید عامل موثر در این بود تجاوز مستمر نیروهای مسلح اسرائیل به

آتش بس میان ایران و عراق روزی از حالت نه جنگ و نه صلح خارج خواهد شد؟ دولت‌های اتحاد شوروی و افغانستان مفاد قراردادهای ژنو را به مورد اجراء گذاشتند. نیروهای نظامی شوروی خاک افغانستان را ترک گفتند. رئیس جمهور افغانستان برای پایان دادن به جنگ برادرکشی سیاست آشتن ملی را مطرح کرد. اما پاکستان و ایالات متحده آمریکا مواقعته‌های ژنو را عمل لکد مال کردند. آنها، انتظار داشتند که پس از خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان، دولت آن کشور بلاгласه سقوط کند. گذشت زمان اشتباه "واشنکن" را تکان داد. به اصطلاح "دولت موقت" مجاهدین مستقر در پاکستان علی بیش از شش ماه جنگ خردین توانست شهر جلال آباد را برای استقرار "دولت موقت" تصرف کند. جنگ برادرکشی در افغانستان با پشتیبانی ایالات متحده و پاکستان و عربستان سعودی ادامه دارد.

اکنون دیگر محاذی دیلماتیک بر این عقیده اند که مسئله افغانستان را نمی‌توان با جنگ حل و قتل کرد. یکانه راه مذاکرات سیاسی و تشکیل دولت آشتن ملی است. اما، بنیادگر ایان اسلامی که تابع اراده نظامیان پاکستانی هستند و از "کمک" نظامی "واشنکن" استفاده می‌کنند، حاضر به دریش گرفتار قراردادهای ژنو، به ارسال مجاهدات نظامی مدرن برای باندهای اسلامی مرکز در پیشاور ادامه می‌دهد.

مشابه این روند را در دیگر "نقطه داغ" جهان نیز می‌توان مشاهده کرد. ایالات متحده آمریکا نیز می‌توان این اتفاق را در آنکولا و نیزباندهای قد دولتی در موزامبیک است. البته در مردومورد "واشنکن" با نژادپرستان جمهوری آفریقای جنوبی همکاری کرده و می‌کند.

در آمریکای مرکزی دو سیاست متقاض است به چشم می‌خورد؛ تصمیم خلق های این منطقه برای تمییز سرتیفیکت تاریخی خویش از سوی و تلاش امپریالیسم آمریکا برای سلب این حق از خلق ها از سوی دیگر. ایالات متحده آمریکا می‌خواهد تا چون گذشته آمریکای لاتین را به مشابه "منطقه منافع حیاتی" خود نگهارد. اما این اشتباه بزرگی است. تاریخ پیش می‌رود. انسان ها برای آزادی و استقلال می‌رزند. این مبارزه که در مواردی هم با شکست رویرو می‌شود، تعلیل بردارنیست. کشورهای آمریکای لاتین دیگر مستعمره به شبکی کلاسیک آن نیستند. کشورهای چون بربزیل، مکزیک و آرژانتین از خاک شاخص های اقتصادی به عامل چشمکیر روند اقتصاد جهانی تبدیل شده اند. در آمریکای لاتین روندهای عینی رشد اقتصادی و مال رشد سیاسی در جهان است. این روندها تایع قوانین عینی تاریخی است و نمی‌توان آن را از حرکت بازداشت.

ایالات متحده آمریکا این واقعیت را می‌داند و به همین سبب می‌کوشد تا تأثیر قوانین عینی تاریخی را حداقل کند سازد. "واشنکن" مایل نیست اهرم های به اصطلاح هدایت نیمکره غیری را از دست بدهد. سیاست اقتصادی که دارای ریشه تاریخی است، یکی از این اهرم های موثر بشمار می‌رود که در دست ایالات متحده است.

دخالت نظامی ایالات متحده در پاناما جلوه ای از سیاست آمریکا در این نیمکره است. رهبران ایالات متحده آمریکا که شب و روز دریاره دمکراسی و ضرورت مراعات اراده مردم سخن می‌گویند، وقتی نویت به خودشان می‌رسد، همه اصول و موازنین بین المللی را نزدیکی می‌گذارند. البته حاکمیت سیاسی و نظام اجتماعی در دیگر کشورها می‌تواند خوشابند آمریکا باشد. این حق رهبران آن کشور است. اما، هیچکس به امپریالیسم آمریکا حق نداده تا رژیم دلطوه خود را در این یا آن کشور با توطئه گردید.

کمک سه میلیارد دلاری سالانه آمریکا به اسرائیل توانه بازدیگر سیاست ضد انسانی ایالات متحده آمریکاست. ایالات متحده آمریکا تروریسم را در حرف محکوم می‌کند، اما در عمل از مشهورترین دولت تروریست جهان - دولت اسرائیل - حمایت می‌کند. جنایت را که دولت اسرائیل در سرزمین های اشغالی و لبنان متکب می‌شود، فقط می‌توان با جنایات فاشیست های هیتلری در زمان جنگ جهانی دوم مقایسه کرد. همه می‌دانند اگر حمایت مستتبم آمریکا نمی‌بود، دولت اسرائیل می‌توانست حمام نون در خاورمیانه و نزدیک به راه اندازد.

به نظریها خطنه برگردی بحران خاورمیانه و نزدیک، با حل مسئله

سیاهچالها با شکنجه و مرگ روپاروی هستند اعلام می دارد.

وفقا!

"جهان سوم" دچار مشکلات و مضلات عظیمی است. وام خارجی و بهره منکین آن شیرازه اجتماعی - اقتصادی اکثر کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین را از هم پاشیده است. در برخی از این کشورها ۷۰ تا ۸۰ درصد ارز بدهت آمده از صادرات صرف پرداخت بهره و اقساط وام های کمرشکن که اکثر کشورهای پیشرفت سرمایه داری می شود. اکثر کشورهای "جهان سوم" قادر به پرداخت اصل و فرع وام های نیستند. گرسنگی و قدر و عقب ماندگی از پیروگاهی کشورهای "جهان سوم" است. هر سال میلیون ها انسان از گرسنگی می مرند. کاهش سریع بهای مواد خام (یکانه منبع درآمد ارزی کشورهای "جهان سوم") به موازی افزایش بهای کالاهای صنعتی، مانع رشد اقتصادی این کشورهای است.

هیچک از کشورهای رشدیابنده، حتی فروتنشان، قادر به پرداخت اصل و فرع وام های نیستند. مثلاً، وام خارجی آمریکای لاتین (بطور) عمدۀ به ایالات متحده آمریکا) تقریباً برابر نصف محصول داخلی آن است. کشورهای این منطقه سالانه از یک دوم تا یک سوم در آمد ارزی خود می دهند، باانک های بزرگ آمریکا و دیگر کشورهای اروپای غربی تحويل می دهند، بدون اینک اندکی از فشار حلقه وام برگردانشان تخفیف یابد. باانک های بین المللی امپریالیستی سالانه فقط از بایت بهره وام ۴۰ میلیارد دلار از آمریکای لاتین خارج می کنند و بدین سان ضری جران نایندگی بر پیکر اقتصاد این کشورها وارد می سازند. رقم اراده شده فقط گونه ای از ژرفای غارت مردم کشورهای رشدیابنده توسط انحصارها و باانک های امپریالیستی است. پرداخت وام و بهره منکین آن به یک مفضل بین المللی تبدیل شده است. برای حل این مفضل که سدها میلیون انسان را در "جهان سوم" به فقر و مرگ محکوم کرده، باید هرچه زودتر چاره ای اندیشه شود. آیا راه علاجی وجود دارد؟ اتحاد شوروی به این پرسش پاسخ مثبت می دهد. میخانیل گاریاچف به هنگام سخنرانی در اجلاسیه سازمان ملل متحد خاطرنشان ساخت که وام کشورهای رشدیابنده "نه قابل پرداخت و نه قابل وصول با شرایط اولیه است". اتحاد شوروی آمادگی خود را برای اعطاء مهلت دراز مدت (تا ۱۰۰ سال) برای بازپرداخت وام به کشورهای کمرشکن ایجاد کرد. به نظر رهبر اتحاد شوروی در موارد زیادی وام را باید به کلی ملغی کرد، یعنی از دریافت آن برای همیشه سرف نظر کرد. این پیشنهاد عادلانه و انسانی مورد استقبال همه کشورهای وام دار قرار گرفت. اما، شواهد عدیده مovid آن است که ایالات متحده آمریکا و کشورهای رشدیابنده منتفی سرمایه داری، به شایه پیروگرین ملکه کاران، حاضر به پذیرش پیشنهاد اتحاد شوروی نیستند.

از مجموعه آنچه که گفته شد می توان یک نتیجه گرفت: در آستانه سده بیست و یکم سرنوشت اندوهباری در انتظار سدها میلیون انسان است. در حالی که جهان منتفی با سرعت در سییر کامپیوتريزه شدن به پیش می رود، مدل اجتماعی - اقتصادی مناسب و منطبق با شرایط کنونی شخص - تاریخی برای دهها کشور عقب مانده از قافله تمدن وجود ندارد. ادامه غارت بین بند و بار "جهان سوم" از جانب انحصارهای فرامی و باانک های بین المللی، امکان کردآئی سرمایه در این کشورها را، حتی برای تأمین رشد مناسب با آنک رشد جمعیت ناممکن ساخته است.

به جریت می توان گفت که ادامه این وضع می تواند بات جهان را متزلزل سازد. توجه به این مفضل جهانشمول فقط با همکاری همه کشورهای جهان، سرف نظر از اختلاف های عقیدتی امکان پذیر است. در این رابطه، حزب توده ایران با درنظر گرفتن منافع میهن مان، از سیاست جدید خارجی شوروی که بروایه توری و هراتیک توائیدیشی استوار است قولیا پشتیبانی می کند. هدف اتحاد شوروی دیکتاتیزه کردن مناسبات میان دولتها، تامین امنیت بین المللی و حل اختلاف های از راه نظامی - سیاسی بل از راه سیاسی و نیز استفاده از دستاوردهای عظیم انتلاطم علمی و فنی برای حل مضلات جهانشمول پسری، تامین شرایط ادامه زندگی مسلط آمیز و برابر حقوق دولت ها در عصر اباحت سلاح های هسته ای - لیزری و کامپیوتراست.

ادامه دارد

این کشور و افغان پخشی از جنوب لبنان به عنوان "منطقه امنیتی" است. هدف اسرائیل فعله ورکه داشت آتش جنگ در لبنان به قصد جلوگیری از حل مسئله خاورمیانه است. در هین حال، اسرائیل می کوشد تا مانع حل سیاسی مفضل لبنان گردد.

در قابچه لبنان نایاب نتشیج. ۱. را نیز فراموش کرد. رئیس ایران سالانه دهها میلیون دلار صرف نگهداری مشتی تزویریست "حزب الله" در لبنان می کند. سیاست رئیس "فیعیان" لبنان را به دوگروه تقاضا - "حزب الله" و "امل" - تقسیم کرده که سالهای است پایاکدیکر به جنگ مشغولند. رئیس ۱. برای تحمل اراده خود به سازمان "امل" "کروه" "حزب الله" را به حساب مردم ایران مسلح می کند و به خصوصی میان دو گروه شیعه دامن می زند.

جنگ در لبنان میان دیگر نیروهای مسلمان و مسیحی نیز ادامه دارد. این جنگ پخشی از بحران عمومی اعراب - اسرائیل بشمار می رود. ۴. نظرما پاید قطعنامه ۴۲۵ سال ۱۹۷۸ و قطعنامه ۵۰۸ سال ۱۹۸۲ شورای امنیت سازمان ملل متعدد دایر برخروج نیروهای اشغالگر اسرائیل از جنوب لبنان، بدون چون و چرا اجرا گردد.

روشن است که کشورهای عربی پاید راسا راه حل مفضل داخلی لبنان را پیدا کنند و این نیز مستلزم وحدت میان دولت های عربی است. اگر این کشورها توانند زیان مشترک پیدا کنند، نه مسئله لبنان و نه مسائل خاورمیانه و نزدیک در مجموع خود می تواند حل شود. ایالات متحده آمریکا در فاصله زمانی اندک سه بار لیبی را مورد تجاوز قرار داد. حمله به جت های جنگکنده لیبی در کرانه های آن کشور و پیاران شهراهی لیبی با استفاده از پایاکاههای "ناتو" در اروپا را جز راهنمی هواشنی غی توان نماید.

هیمار که سیاست این یا آن کشور در آمریکای لاتین و آسیا و آمریکا در چارچوب میار "واشنگتن" می گنجد، دولت آمریکا "دست به اسلحه" می برد. این خطر بزرگی است که می تواند به روش شدن آتش جنگ بیانجامد. ما برآئیم که زیرنا گذاردن موقتناهای ها، رد مذاکرات برای حل مسلط آمیز مسئله مورد اختلاف، سرهمندی انواع توطندها و مسلح ساختن عمال و دست نشاندگان امپریالیسم به قصد مقابله مسلحانه با حکومت هایی که به مذاق آمریکا خوش غی آید، محکوم به زوال است. می توان با زور سویزه برای میشه از مبارزه خلق ها در راه آزادی و استقلال جلوگیری کرد.

وفقای عزیز!

کشورهای همسایه ما - پاکستان و ترکیه - دچار بحران میستند. هردوی این کشورها سرنوشت خود را با ایالات متحده آمریکا گره زده اند. پس از مرگ خیا، الحق، پیروزی بی نظیریتو در پاکستان، گرچه گامی بود به پیش، اما توانست این کشور را از چنگال خونین زنده های خیات دهد.

در حال حاضر سه نیرو در پاکستان حکومت می گنند. حزب بی نظیریتو، ڈنرالها، و احزاب بنیادگرای "اسلامی". می توان گفت که دولت تواند کامی در جهت استقرار دمکراسی واقعی بردارد. سیاست خارجی پاکستان، بیویه در زمینه برخورد با مفضل افغانستان همانند دوران خیاء الحق تابع سیاست امپریالیسم آمریکاست. ایالات متحده آمریکا پس از شکست در ایران در سال ۱۳۵۷، پاکستان را به عنوان مرکز توطنده علیه کشورهای منطقه انتخاب کرد.

ترکیه، همسایه دیگرما، با ضمیت در "ناتو" و تبدیل این کشور به پایاکاهه نظامی آمریکا، عمل نتش دست نشاندگان امپریالیسم در منطقه را اینها می کند. ترکیه حلقه پیوند دهنده ایران و پاکستان به "ناتو" و در رام آن ایالات متحده آمریکاست.

هرسه کشور جمهوری اسلامی، پاکستان و ترکیه دچار بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی میستند. در هرمه کشور تورم و بیکاری و قرب پیداد می کند. در هرمه کشور نیروهای میهن پرست و آزادیخواه روانه زندان ها می شوند.

پلنوم کیته مرکزی حزب توده ایران همبستگی عمیق خود را با کمودیست های ترکیه و پاکستان و زحمتکشان این دو کشور که در

شعارهای اول ماه مه کمیته مرکزی حزب توده ایران

- فرخنده باد جشن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان!
- حقوقها و دستمزدها همپای بالا رفتن تورم و هزینه زندگی باید افزایش یابد!
- در راه تدوین و تصویب قانون کار مترقی با شرکت نمایندگان واقعی تشکل های مستقل کارگری، مبارزات خود را هر چه بیشتر کسترش دهیم!
- کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، در هر واحد کار و باهر تعداد شاغل، باید مشمول قانون کار شوند!
- قانون شوراهای اسلامی کار مقایر با منافع و مصالح ماست، باید لغو شود!
- در راه تدوین و تصویب قانون تامین اجتماعی مترقی مبارره کنیم!
- حضور نمایندگان واقعی ما در اداره امور کارگاهها، کارخانجات و موسسات یکی از حقوق مسلم ماست!
- در راه حقوق مساوی زنان با مردان در برابر کار یکسان، رفع ستم های فزاینده به زنان ستمدیده میهن، جلوگیری از اخراج زنان از واحدهای کار و تولید، و ایجاد و کسترش مهد کودک ها برای زنان شاغل، مبارزات خود را وسعت بخشیم!
- جای کودکان معصوم ما نه در کارگاهها و محیط های فرساینده کار، بلکه در مدارس و مراکز آموزشی است!
- در راه برقراری امنیت شغلی و اجتماعی، و جلوگیری از اخراج ها و تعطیل واحدهای کار و زحمت پیکار خود را کسترش دهیم!
- برای هرچه ثمریخشن تر کودن مبارزات سندیکائی، هسته های مخفی منفی را در کارخانجات و کارگاهها و دیگر واحدهای کار و تولید، کسترش دهیم و آن را به مبارزات جمعی علنی و نیمه علنی، فرارویانیم!
- پیوند خود را با حزب توده ایران، بعنوان مدافع پیکر حقوق کارگران و زحمتکشان هرچه مستحکم تر سازید!
- مبارزات متحد و همبسته خود را علیه امپریالیسم و سیاست های تجاوز کارانه آن، تشدید کنیم!
- در راه ارتقاء سطح زندگی توده های محروم و نجات مردم میهنمان
- پیروز باد مبارزات نیروهای صلح دوست و متفرق جهان، در راه صلح، آزادی، پیشرفت اجتماعی و حل مسائل همه بشری!
- پیش بسوی پایان بخشیدن به سیاست مسابقه تسلیحاتی و تبدیل آن به روابط های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و بهبود محیط زیست و شرایط زندگی بشریت!
- کارگران و زحمتکشان ایران!
- روز کارگر را به جشن همگانی و همپیوندی توده ای مبدل سازیم!
- تعطیل رسمی روز اول ماه مه را به رژیم "ولايت فقیه" تحمیل کنیم!
- در راه دستیابی به حقوق و آزادی های مصحره در اعلامیه حقوق بشر متحدا مبارزه کنیم!
- آزادی قلم، بیان، اندیشه، گرد همایی و تشکل صنفی و سیاسی از حقوق مسلم ماست!
- در راه آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و تامین کار و معیشت برای آنان، مبارزات خود را تشدید کنیم!
- همیاری با خانواده های زجر دیده شهدا و زندانیان سیاسی را توسعه دهیم!
- مبارزه علیه سیاست نظامیگری رژیم و در راه تامین صلح پایدار را تشدید کنیم!
- انحلال کلیه سازمانها و نهادهای سرکوبکر و جاسوسی رژیم از جمله اجمن اسلامی را کسترش دهیم!
- در راه برقراری حق خود مختاری خلقها ایران و رفع ستم ملی از آنان بکوشیم!
- در راه ارتقاء سطح زندگی توده های محروم و نجات مردم میهنمان

بستر خویش را می یابند. در شرایط فعلی ایران، هر مسابقه ورزشی، هر مراسم تشییع جنازه و در يك کلام مر مناسبتی که باعث تجمع کروهی از مردم شود، يك منبع خطر بالقوه برای رژیم "ولایت فقیه" بشمار می رود. نکته اساسی و با اهمیت نیز در اینجاست که در کنار کسری روزگار زون حركت های پراکنده اعتراضی، امکانات رژیم برای مقابله با آنها محدودتر می شود. زیرا در اینجا بحث نه برسر کروهیها یا اشاره محدودی از جامعه، بلکه برسر اکثریت قاطع مردم ایران است. اینکونه حركتها و درگیری های پراکنده، با اینکه ظاهرا سرکوب می شوند، اما بتدریج امکانات ارگانهای سرکوبگر رژیم را تخلیل می برند و روند نارضائی کارکنان این نهادها را تسریع می کنند.

ما ضمن محکوم کردن اعمال غیرانسانی ارگانهای سرکوبگر حاکمیت، خواستار آزادی بی قید و شرط همه بازداشت شدگان هستیم. دولت جمهوری اسلامی با این اقدامات نخواهد توانست حاکمیت خود را در دراز مدت ادامه دهد، بلکه تنها برگی دیگر بر کارنامه جنایات خود خواهد افزود. مردم ایران خواهان تامین آزادیهای دمکراتیک، حاکمیت آراء، توده ها و رهایی کشور از فقر و فلاکتد و به این مدفع، علیرغم همه دشواریها دست خواهند یافت.

فروپاشی به پیش می رود. البته نایاب فراموش کرد که سرکوب احزاب و گروههای سیاسی دکراندیش، زندانی کردن و کشت هزاران مبارز راه عدالت و آزادی و نیز وادر کردن میلیونها ایرانی آزادیخواه به ترک میهن تا حد معینی به امر گشترش مبارزه ضد رژیم لطمہ زد. میلیونها ایرانی محروم از زندگی انسانی محلی برای تجمع و ابراز خواستهای خود ندارند. همین امر امکانات رژیم را برای ادامه حیات بیشتر می کند. اما تجربه دور و نزدیک نشان می دهد که دامنه عملکرد اینکونه پدیده های منفی تحمل شده محدود است و غنی تواند برای همیشه از حركت قانونمند جامعه جلوگیری کند.

ما پیش از این نیز گفته ایم، در کشورهای استبداد زده، که مردم از حقوق و آزادیهای دمکراتیک محرومند، هررویداد بظاهر کم اهمیت و هر تجمع عادی مردمی می تواند شکل و رنگ سیاسی بخود بگیرد. این سخن درباره جمهوری اسلامی و تظاهرات اخیر نیز صدق می کند. میلیونها انسانی که از همه مواهب زندگی محرومند و در شرایط بحران همه جانبه اقتصادی و اجتماعی سطح زندگیشان دانما تنزل می یابد، دیگر نمی توانند شرایط طاقت فرسای زندگی را تحمل کنند و از هر فرستی برای ابراز خشم بهره می جویند. این امر در عین حال نشان می دهد که ضرورت های اجتماعی علیرغم هر مانع و رادعی بالآخره

تظاهر خشم ...

دادستان کل کشور با را از این نیز فراتر گذارد و از اخلاقگری "آزادل و اواباش" سخن به میان آورد. اما، علیرغم همه اینها، تظاهرات مردم در گوش و کنار ادامه یافته و امروز کار به جانی رسیده که حتی روزنامه های مجاز نیز مجبورند برخی اخبار مربوط به اینها را - هرجند ناقص و تحریف شده - انکاکس دهند. سخن برس تظاهرات و شعارهای ضد رژیم در پارکها و محله های تهران است.

به گزارش خبرگزاریها، ماموران کمیته طی حمله به تظاهرکنندگان در یکی از پارک های تهران ۶۵ نفر از آنان را بازداشت کردند. در شهرک کیان شهر، هنگامی که مامورن قصد داشتند تعداد زیادی از خانه های بدون مجوز را خراب کنند، ساکنان محل ضمن تظاهرات برعلیه رژیم شمار دادند و در محله جوادیه کار به درگیری میان مردم و نیروهای انتظامی کشید.

رهبران رژیم "ولایت فقیه" بر آن بودند که با محو آزادیهای دمکراتیک و سرکوب خونین احزاب و سازمانهای سیاسی خواهند توانست زمینه حاکمیت مطلق خویش را در بلند مدت فراهم کنند. اما همه واقعیات گواه آنند که رژیم حاکم بسیار سریع تر از آنچه گردانندگانشان تصور می کردند، بسوی

دو راه نویسندگاری

پیوند دهنده، بی تردید در این زمینه هواداران حزب در داخل کشور نقش برجسته ای اینها می کنند و کار براج آنان سرمتشی برای همه توده ای هاست.

طی حدود نیم قرن اخیر، حداقل دو نسل از توده ای ها در راه تحقیق بخشیدن به آزادی و عدالت اجتماعی از جان خود مایه گذارده اند. ما ادامه دهنده ای از جان خود مایه توده ای فقط و فقط با الهام از آنهاست که می توانیم نام قربانیان راه سعادت خلق را جاویدان نگاهداریم. نوسازی حزب هم این

**کمک مالی
به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!**

به رادیو

صداهای رحمتگشان ایران**گوهي فرا دهيد!**

NAMEH MARDOM
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

ADDRESSES 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich

NO : 308
April 24 1990

نامه مردم

بها : ۲۰ ریال